

بررسی آثار دوران پارینه سنگی در جلگه مرو دشت

(اشکفت گاوی)

مصیب امیری

مقدمه

مدارک باستان‌شناسی گردآوری شده از حفاری اشکفت گاوی علاوه بر اینکه فرهنگ تکنولوژی، اقتصادی و اجتماعی ساکنین این اشکفت را مشخص می‌کند، همچنین مقایسه آن را با فرهنگهای دوران پارینه سنگی در جلگه مرو دشت و نواحی دیگر در زاگرس میانی و شمالی فراهم می‌آورد.

آثار دوره پارینه سنگی اشکفت گاوی قابل مقایسه با آثار بدست آمده از منطقه جهرم و غارهای کنجی و قمری می‌باشد. همچنین دوره پارینه سنگی فوقانی اشکفت گاوی را نیز می‌توان با غارهای شنیدار، ارجنه و یافته مقایسه نمود. بعلاوه اشکفت‌های دیگری که توسط نگارنده در جلگه مرو دشت بررسی شده‌اند، ارتباط و قدمت احتمالی آنها با اشکفت گاوی ذکر شده است.

مطالعه آثار فرهنگی بدست آمده از اشکفت گاوی دارای اهمیت خاصی می‌باشد و آن اینکه فرهنگ دوران پارینه سنگی جلگه مرو دشت را می‌توان بررسی کرد و این خود نشان می‌دهد که این جلگه از قدیمی‌ترین دوران مورد سکونت بشر واقع گردیده است. با وجود فقدان مطالعات و بررسی‌های مربوط به دوران پارینه سنگی در جلگه مرو دشت، این مطالعه را که سبب مطالعه روند فرهنگی از دوران مذکور به دوره‌های بعدی را فراهم می‌آورد، ایجاب می‌کند. در این مطالعه فشرده نخست به بررسی آثار و مدارک بدست آمده از اشکفت گاوی (ابزارهای سنگی و استخوانی، اشیاء سنگی) خواهیم پرداخت و با طبقه‌بندی آثار یاد شده، قدمت آنها را براساس دوره‌های پارینه سنگی میانی و فوقانی مشخص خواهیم نمود. مطالعه بر روی

مرو دشت و ۳ کیلومتری شرق قله کوه سبز واقع شده است. ارتفاع این غار از سطح دشت حدود ۲۰ متر می‌باشد و جهت این غار بطرف رود کر است. یعنی جائیکه رود کر و سیوند به یکدیگر می‌پیوندند. (نقشه شماره ۱) این مکان پیش از تاریخی ابتدا در سال ۱۹۶۹ توسط ویلیام سامنر که

اشکفت گاوی (ESHKAFT - E - GAVI)

اشکفت گاوی یک غار نسبتاً وسیع در دامنه شمالی کوه سبز است. این غار تقریباً در ۵ کیلومتری شهر

مشغول بررسی باستان‌شناسی در حوزه رود کر بود شناسایی گردیده و در سال ۱۹۷۸ توسط میکائیل روزنبرگ (M. Rosenberg) حفاری می‌گردد.

این غار بشکل عدد 8 با دو اتاقک (Chamber) بدنبال هم می‌باشد. قلوه سنگ‌هایی که از سقف غار ریزش نموده بودند، کف غار و مدخل هر دو اتاقک را پوشانیده بوده‌اند.

از آنجائیکه مدخل غار (اتاقک اولی) از نظر نور و هوا موقعیت بهتری داشته لذا به نظر می‌رسید که این بخش صحنه اکثر فعالیت ساکنین آن بوده باشد و بقایای اجاقها در این قسمت مؤید آن بودند.

قسمت ته غار (اتاقک دومی) که هوای کمتری به آن می‌رسد، احتمال داده می‌شود که این اتاقک جهت مواد زائد (بقایای حیوانات) مورد استفاده بوده است.

دو گمانه آزمایشی در این غار حفر گردید، نخستین آن بنام گمانه B در اتاقک اول یعنی جایی که صحنه فعالیت‌های روزانه آنها بوده در نظر گرفته شد. این گمانه به وسعت ۲ متر مربع و تا عمق ۲ متری حفاری گردید.

گمانه دیگر در مدخل اتاقک دوم بنام گمانه A و به وسعت ۳ مترمربع و عمق ۱/۵ متر مورد کاوش قرار گرفت. «از میان این دو گمانه، گمانه B یک لایه نگاری متوالی روشن‌تری را ارائه نمود، زیرا انباشته‌های این قسمت نسبتاً دست نخورده و غیر مضطرب بودند و دو لایه فرهنگی متمایز را ارائه می‌دهند. از لایه فوقانی که ضخامت آن به ۱۵ سانتیمتر می‌رسد موادی همچون قلوه سنگ (ground stone)، سفال و قطعات فلز مربوط به پلستوسن فوقانی (Pleistocene - Post) گردآوری شده است. این لایه بر روی یک ته نشست صخره‌ای به رنگ نارنجی - قهوه‌ای مربوط به عصر پلستوسن قرار دارد که بطرف پائین ادامه می‌یابد و بقیه ضخامت گمانه یعنی ۱/۸۵ متر را در بر می‌گیرد.

از لایه تحتانی قطعات پراکنده زغال بدست آمده و از آنها برای تاریخگذاری کربن ۱۴ استفاده شد ولی هیچ لایه‌بندی فرعی برای آن قابل تشخیص نبود. موقعیت این

زغالها متنوع در لایه فرهنگی موردنظر و تاریخگذاری کربن ۱۴ که از آنها استخراج شد در طرح شماره ۱ آمده است.

روی هم رفته شش تاریخ در این طرح آمده است که همه آنها از نمونه‌های کوچک زغال استخراج شده و بین ۱۸ و ۳۰ هزار سال قبل از عصر حاضر قرار دارند. اگر ناهماهنگی‌های تاریخ‌های بدست آمده نادیده انگاشته بشود. بطور کلی می‌توان پذیرفت که این لایه فرهنگی از نظر آب و هوایی به آخرین دوره یخبندان یعنی ورم (Wurm) و از نظر فرهنگی به فرهنگ پارینه سنگی فوقانی متعلق است. بعلاوه ته نشست‌های این لایه فرهنگی با ضخامتی که دارند (۲ متر) و مقایسه و تطابق تاریخ‌های بدست آمده از این گمانه (گمانه B) این احتمال را بوجود می‌آورد که شاید این لایه به بخش نهایی پالئولیتیک میانی هم متعلق باشد.

ابزار بدست آمده از گمانه کوچک B بلحاظ مشخصات ظاهری، منحصر بفرد بوده و تا اندازه‌ای مقایسه فرهنگی را مشکل می‌نماید، بعلاوه در ۵۰ سانتی‌متر پائینی از تنوع و تعدد ریز ابزارهای سنگی (Chipped Stone) کاسته می‌شود. کمبود اشیاء سنگی و نتیجتاً ظهور ریز ابزارها و مقایسه و تطبیق تاریخگذاری کربن ۱۴ یک مرحله انتقال از پارینه سنگی میانی به فوقانی را نشان می‌دهد. اما وجود چنین مرحله انتقالی و ذکر جزئیات این انتقال مشکل بنظر می‌رسد.^۱

گاهنگاری و مشخصات فرهنگی اشکفت گاوی در جدول شماره ۱ نشان داده می‌شود.

1- Michael Rosenberg "report on the 1978 soundage at Eshkaft-e Gavi, Iran vol XXII 1985 P 54.

جدول کاهنکاری و مشخصات فرهنگی اشکفت گاوی

دوره	۱- ابزارها		۲- اشیاء	۳ تدفین	۴- مطالعات	۵- سالیابی
	۱- ریز ابزار- های سنگی	۲- استخوانی	۱- سنگی		مقایسه‌ای	کربن ۱۴
پارینه سنگی فوقانی	تیغه پسته -	یک قطعه	یک قطعه	قطعاتی از	شنیدار، یافته	۱۶ هزار سال
	دار، تیغه‌ها، تیغه‌های شکاف دار، اسکنه‌ها، تراشه‌ها، خراشنده‌های جانبی	استخوان استوانه‌ای شکل جهت ابزار	سنگ گرد	استخوان انسان	ارجنه، منطقه جهرم	تا ۲۷ هزار سال پیش از عصر حاضر
پارینه سنگی میانی					منطقه جهرم، غارهای کنجی و قمری	

جدول شماره ۱

ابزارها

ریز ابزارهای سنگی

با آنکه تکرار و تنوع مصنوعات سنگی در هر لایه گمانه B ناچیز است تا بتوان از طریق تغییرات و پیشرفت‌هایی که در تولید این صنایع صورت پذیرفته، یک تاریخگذاری متوالی را بدست آورد، اما به بعضی نکات میتوان اشاره کرد.

کثرت ریز ابزارهای سنگی در عمق ۱/۲۵ متری گمانه B یک وابستگی با پارینه سنگی فوقانی را نشان می‌دهد این واقعیتی است که از طریق تاریخگذاری‌های کربن ۱۴ انجام شده هم قابل اثبات است.
ابزارهای سنگی از نظر گونه‌شناسی عبارت از: تیغه‌های پشته‌دار (bached blades)، تیغه ساده (blades)

(unbacked)، تیغه‌های ناموزون (شکافدار - Natched blades)، اسکنه‌ها (burins)، خراشنده‌های جانبی (end Scrapers) و خراشنده‌های زورق‌سی (Carinated scraper) هستند. بعلاوه قطعاتی از نوک پیکانه‌های نوع برادوستین نیز ظاهر شده‌اند. ظهور همه این مصنوعات سنگی متنوع از این لایه ۱/۲۵ متری گمانه B نشان می‌دهد که اینها از طریق تکنولوژی Flake-blade/blade تولید شده‌اند. یعنی بنظر می‌رسد که این مصنوعات عمدتاً از تراشه‌ها (Flakes) باندازه‌ها و جوانب موازی از طریق ایجاد ضربه‌های یک جهتی در اطراف یک سنگ مادر تولید شده‌اند. (طرح شماره ۲) چنین تکنولوژی در ساخت صنایع دوره پارینه سنگی فوقانی معمولاً در عمق ۱۰۰ سانتیمتری کمتر متداول بوده و در عمق ۱/۲۵ متری به بعد کاملاً ناپدید می‌شوند. بعلاوه تیغه‌های بدون رتوش نیز از عمق ۱/۱۷ متری به پائین ناپدید می‌شوند.

در عوض بجای آنها تراشه‌های غیر متداول از نظر شکل و ترکیب، تراشه‌های پشت‌دار (dorsal Flake)، تراشه‌های پشت‌دار و ناموزون (Scar) به طور فزاینده‌ای در این لایه‌ها متداول و معمول می‌شوند.

برای مثال تراشه‌های پشت‌دار چند وجهی و ناموزون شاید در اصل از سنگ مادرهای کروی و مدور حاصل شده باشند. بعلاوه یک سری مصنوعات جدید بندرت در این لایه‌ها یافت می‌شوند که عبارت از خراشنده‌هایی با خطوط متقارب (Convergent scraper) و خراشنده‌های جانبی (Side scraper) هستند. متأسفانه نمونه مصنوعات سنگی این لایه‌ها امکان و احتمال تشخیص و انتساب این مجموعه صنایع را به دوره پارینه سنگی فوقانی و یا صنایع سنگی پارینه سنگی

میانی کاهش داده است. البته تاریخ گذاری‌های کربن ۱۴ این

صنایع را به هر دو دوره نسبت داده است،^۲

همانطوریکه هول و فلانری گزارش می‌دهند «که در منطقه زاگرس بعضی از نمونه‌های صنایع سنگی پارینه سنگی میانی بویژه خراشنده‌های جانبی (Side Scraper) در دوره بعد یعنی پارینه سنگی فوقانی به صورت نمونه‌های محدود و کم ادامه حیات داده‌اند»^۳

به هر حال باتوجه به این واقعیت که در لایه‌های زیر گمانه B نمونه صنایع سنگی متعلق به پارینه سنگی میانی بدون حضور نمونه‌های پارینه سنگی فوقانی همچون تیغه‌های، سنگی ظاهر شده‌اند، ممکن است منطقی باشد که این مجموعه را به دوره پارینه سنگی میانی نسبت دهیم.

«بعلاوه این صنایع سنگی که در گمانه B یافت نشده‌اند، با کاوش در گمانه A ظاهر شده‌اند، این مصنوعات از نمونه‌های ریز ابزارهای سنگی هستند که به دوره پارینه سنگی میانی تعلق دارند که در رأس آنها خراشنده‌های متقارب (Convergent Scraper) قرار دارند. بالاخره باید خاطر نشان شود که خراشنده‌های متقارب که در بخش‌های تحتانی گمانه B و A ظاهر شده‌اند از انواع موسترین نیستند که قبلاً توسط هول و فلانری گزارش شده‌اند. که در لایه‌های اولیه پارینه سنگی فوقانی وجود داشتند»^۴

۲- همان، ص ۵۴.

3- F Hole and k.v.Flanery, The prehistoric of south western Iran, A preliminary report,, pps, 33, 1967, P 157.

4- M. Rosen berg. 1985, P59.

ابزار استخوانی

در عمق ۴۰ سانتیمتری گمانه A یعنی جایی که بقایای استخوانهای انسانی یافت شده است. یک قطعه استخوان بعنوان ابزار کار بدست آمده است.

«این قطعه استخوان همانند استخوان انسان سوخته می باشد. سطح آن صیقل یافته و بشکل استوانه‌ای می باشد. قطر آن ۱ سانتیمتر و ۴ سانتیمتر نیز طول آن می باشد و در سه طرف دارای فرورفتگی‌هایی است که این فرورفتگی‌ها در یک طرف به شکل زیگزاگ بر روی سطح آن ظاهر می شود. با آنکه این استخوان در کنار استخوان انسان پیدا شده است، رابطه آن با استخوان انسان نامعلوم است. بعلاوه مشخص نشده که این استخوان متعلق به چه حیوانی است.»^۵
(طرح شماره ۳)

اشیاء

اشیاء سنگی

«در مورد اشیاء سنگی فقط می توان به یک تخته سنگ گرد اشاره کرد که در همان لایه که استخوانهای انسانی قرار داشت، بدست آمده و ارتباط آن نیز با استخوانهای انسانی نامعلوم است.»^۶

این تخته سنگ گرد احتمالاً می توانسته جهت کوبیدن دانه‌های گیاهی و یا غلات مورد استفاده قرار گیرد. که اگر این فرض را بپذیریم، باید اذعان نمود که آنها از طریق جمع آوری دانه‌های گیاهی و غلات احتمالاً بخشی از نیازهای غذایی خود را بر آورده می ساخته‌اند.

تدفین

قطعاتی از استخوانهای انسان از گمانه A گرد آوری شده است، شامل کشکک پا، قطعاتی از جمجمه و استخوان کتف و تعدادی قطعات دیگر می باشد.

آزمایشات انجام شده توسط استی وارد (T.D.Steward) بر روی این استخوانها نشان داده است که آنها از نظر آناتومی متعلق به انسان نوع جدید یعنی هوموساپینس (Sapiens Homo) (انسان هوشمند) می باشد.

«این قطعات استخوانی که در عمق ۴۰ سانتیمتری گمانه A یافت شده‌اند، قطعه قطعه بودن استخوانها، ظاهر سوخته و اینکه بخش‌های مختلفی از استخوانهای انسان را شامل می‌شد، به انضمام لایه لایه بودن رسوبات گودالی که این استخوانها از داخل آن یافت شده‌اند، همگی نشان می‌دهند که اگر استخوانهای انسان بخشی از آئین تدفین را تشکیل می‌داد، احتمالاً تدفین یک جانبه فرعی و یا کم اهمیت داشته است.»^۷

مطالعات مقایسه‌ای

چنانکه پیش از این یاد آور شدیم، آثار بدست آمده از اشکفت گاوی معرف دوران پارینه سنگی میانی و فوقانی می باشد، و در اینجا لازم است که نگاهی کوتاه به

۵- همان، ص ۵۹.

۶- همانجا، ص ۵۹.

۷- همانجا، ص ۵۹.

فرهنگ‌های این دوران در جلگه مرودشت و نواحی هم جوار و دیگر نقاط ایران بیفکنیم.

هنگام بررسی و مطالعه جلگه مرودشت در مهرماه ۱۳۷۲ علاوه بر اشکفت گاوی که پیش از این مورد مطالعه دقیق و حفاری علمی قرار گرفته بود، به تعدادی از غارهای دیگر برخورد نمودم که فقط به چند مورد آنها اشاره خواهم کرد، بدون اینکه دوره خاصی را برای آنها بیان کنم، از اینرو که اکثر این غارها در ارتفاع خیلی پائینی از سطح دشت قرار گرفته و در گذر زمان بطور متوالی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. اگر حاوی آثاری از دوران پارینه سنگی نیز باشند، بدلیل گذشت زمان - ریزش سقف غارها، دخالت‌های انسانی، و خصوصاً استفاده از آنها بعنوان پناهگاهی برای دامها، بقایای احتمالی دوران پارینه سنگی را در زیر خروارها خاک و سنگ و فضولات حیوانی مدفون ساخته است و امکان بررسی سطحی جهت تشخیص آثار این دوران را سلب می‌نماید. ولی امید می‌رود اگر این غارها و اشکفت‌ها مورد حفاری قرار گیرند، برخی از آنها بقایای این دوران را برملا سازند و افق جدیدی را در مطالعات این دوران به روی ما بگشایند.

حال باتوجه به مطالب فوق به ذکر بعضی از این اشکفت‌ها می‌پردازیم.

یکی از این اشکفت‌ها در کنار جاده‌ای که از پل خان بطرف سد درودزن می‌رود و در کنار روستای بزگون واقع شده است، به همین نام نیز موسوم می‌باشد. ارتفاع تقریبی آن از سطح دشت حدوداً به ۲۰ متر می‌رسد. این اشکفت شامل دو دهانه مجزا از یکدیگر می‌باشد. (تصویر شماره ۱) که یکی از آنها بزرگتر می‌باشد. قطعات سفال در جلوی غار و

داخل آن تا حدودی به چشم می‌خورد. جلوی غار نیز سنگ چین شده است که نشان می‌دهد در حال حاضر بعنوان سرپناهی جهت دامها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

علاوه بر این اشکفت، تعدادی از اشکفت‌ها نیز در طول کوه رحمت و در کنار جاده‌ای که از تخت جمشید بطرف روستاهای چهارطاق و اسماعیل آباد می‌رود، قرار گرفته‌اند. یکی از این اشکفت‌ها در شمال شرق روستای شمس آباد و در دامنه کوه، و سمت راست جاده و ساختمان گاوداری واقع شده است. این اشکفت را نیز از آنجائیکه در نزدیکی گاوداری واقع شده، اشکفت گاوی می‌خوانند. ارتفاع آن از سطح دشت زیاد نیست و در آن نیز تکه سفالها مشاهده می‌شوند. (تصویر شماره ۲)

باز در همین امتداد و در نزدیکی روستای چهارطاق چندین اشکفت قرار دارند که یکی از آنها جالب توجه است. این اشکفت بنام اشکفت محسن موسوم گشته است. ارتفاع آن از سطح دشت حدود ۵۰ متر می‌باشد. (تصویر شماره ۳) طول و عرض تقریبی آن ۱۲×۱۱ متر و ارتفاع کف غار تا سقف آن نیز حدود ۴ تا ۳ متر می‌باشد. سفالهای زیادی در کف این غار ریخته است که نشان دهنده استفاده متوالی از آن می‌باشد در خود این اشکفت نیز پس از گذشتن از یک روزنه تقریباً کوچک به یک محوطه دیگری می‌رسیم. متأسفانه تاریکی بیش از حد این اشکفت و بوی متعفن جانوران و عدم امکانات مناسب، اجازه بررسی بیشتر را به دست نداد.

از اشکفت‌های دیگری که در نزدیکی اشکفت محسن قرار گرفته، باید به اشکفت سنگ سوراخ اشاره کرد. این اشکفت که حدوداً در ارتفاع ۳۰ متری می‌باشد و باز در

نزدیکی آن اشکفت دیگری قرار گرفته که در ارتفاع پائین‌تری از سطح دشت قرار گرفته است (تصویر ۲ - ۸) از این اشکفت نیز در حال حاضر جهت پناهگاه دامها استفاده می‌شود.

در همین امتداد کوه رحمت هنگامی که از روستای چهارطاق بطرف روستای اسماعیل آباد پیش می‌رویم اشکفت‌های چندی جلب نظر می‌کنند. برخی از آنها در ارتفاع نسبتاً زیادی از سطح دشت قرار گرفته‌اند و دسترسی به آنها مشکل بنظر می‌رسد.

در انتهای این کوه که از آن طرف به توابع ارسنجان راه می‌یابد و باز هم در نزدیکی روستای اسماعیل آباد می‌باشد. اشکفت و پناهگاههای چندی وجود دارد.

مطالب فوق هر چند تنها بیوگرافی این اشکفت‌ها بوده و اطلاعات قابل توجهی را ارائه نمی‌دهند. اما این امکان را به ما می‌دهد که دریابیم با مطالعه دقیق و همه جانبه باتوجه به شرایط زیست محیطی منطقه امکان یافتن آثار دوران پارینه سنگی. نوسنگی در برخی از این اشکفت‌ها میسر خواهد بود. در فارس نیز مکانهای متعلق به این عصر وجود دارند که از نظر زمانی و بعضاً از نظر صنایع سنگی قابل مقایسه با اشکفت گاوی می‌باشد. که برای نمونه میتوان به غارها و پناهگاههایی که در منطقه ارسنجان قرار دارند، اشاره نمود. (برخی از این غارها آثار دوران پارینه سنگی میانی و

فوقانی و بعضاً تا نوسنگی را نیز ارائه می‌دهند این غارها توسط هیئتی از دانشگاه کیوتو ژاپن در سال ۱۳۵۴ بررسی شده و توسط ایکدا گزارش شده است.)^۸

همچنین در منطقه جهرم و در اشکفت قادی برم‌شور که در نزدیکی دریاچه مهارلو قرار دارد و پیپرنو آنها را مطالعه

کرده است ابزارهای سنگی را متعلق به پارینه سنگی فوقانی می‌داند که در دوره فرا پارینه سنگی (epi - palaeolithic) نیز تداوم می‌یابد.)^۹

علاوه بر اشکفت قادی برم‌شور باز هم در منطقه جهرم سامنر آثار و ادوات سنگی زیادی در سطح زمین که احتمالاً محل کارگاه تولیدات ادوات بوده است، مشخص نمود. احتمالاً این ادوات نوع خاص محلی این دوران را معرفی می‌نماید، اگرچه که پرفسور هیوم آنها را مربوط به فرهنگ لادیزیان دانسته است.)^{۱۰}

همچنین پیپرنو (Piperno) ابزارهای جمع‌آوری شده توسط سامنر را مطالعه کرده است. باتوجه به وجود تیغه‌های کنگره‌دار و دنداندار و نبودن پوئنت، (Point)، مجموعه صنعت فارس را از دیدگاه گونه‌شناسی دارای اصلیت قدیمی‌تر دانسته و از جانب دیگر پیدایش انواع ابزار حکاکی، خراشنده، اسکنه‌ها و تیغه بریده شده را به زمان جدیدتر متعلق می‌داند.)^{۱۱}

روزنبرگ (M. Rosenberg) کاوشگر اشکفت گاوی اشاره به این موضوع دارد که ابزارهای سنگی اشکفت گاوی تا حدودی متفاوت از اشیاء بدست آمده از جهرم می‌باشد.

8- J. Ikeda "An archaeological sarvy in Arsangan Fars" 1977, un published.

9- M. Piperno "upper palaeolithic caves in southern Iran preliminary report" East and west, vol 24, 1974, pp 19-13.

10- P. Smith, the paleolithic of Iran, paris, 1971, p, 25.

11- M. Piperno "Jahrom a middle palaeo lithicsite in Fars, Iran" East and west, vol 22, 1972, pp 138 - 197.

از آنجائیکه آثار این دوران در زاگرس جنوبی که فارس نیز جزئی از آن بشمار می‌رود بخوبی شناسایی و مطالعه نشده‌اند. لذا مطالعه و مقایسه آنها بیش از این حد میسر نمی‌باشد. ولی هر چه که بطرف زاگرس میانی و شمالی پیش می‌رویم آثار این دوران بیشتر شناسایی شده‌اند. برخی از این محوطه‌ها در زاگرس میانی که لرستان بخشی از آن است توسط فرانگ هول و فلانری ۱۲ مورد مطالعه و شناسایی قرار گرفته‌اند که برای نمونه میتوان به غارهای کُنْجی و قَمَری که متعلق به پارینه سنگی میانی و غارهای اَزْجَه و یافته که به پارینه سنگی فوقانی تعلق دارند، اشاره نمود.

زاگرس شمالی نیز که کردستان عراق را بر می‌گیرد، آثار دوران پارینه سنگی میانی و فوقانی را در غار شنیدار و هزار مرد و بیستون نشان می‌دهد.

«بالاخره علی‌رغم اختلاف در اندازه‌های نمونه‌های سنگی اشکفت گاوی و مجموعه منتشر نشده خرم آباد (پارینه سنگی فوقانی) برخی تشابهات بین ایندو قابل بحث است.

برخلاف شنیدار صنایع سنگی خرم آباد نشانگر یک مرحله تحولی بدون وقفه از پارینه سنگی فوقانی می‌باشند. همانطوریکه قبلاً هم ذکر شد طبق تاریخگذاری به عمل آمده یک چنین موقعیت مشابهی در اشکفت گاوی مشاهده می‌شود. مخصوصاً که هول و فلانری خاطر نشان کرده‌اند که در مجموعه خرم آباد برادوستین قدیم (Early Baradostian) بوسیله حضور صنایع سنگی متعلق به پارینه سنگی فوقانی قابل تشخیص است. این صنایع همانند خراشنده‌های جانبی

(Side scraper)، و نمونه‌های موسوم به تعلیمی (عصا) دندان‌های (عصای رتوش دار (retouched rods) هستند که در میان آنها بندرت خراشنده‌های جانبی که از نمونه‌های نادر مجموعه برادوستین می‌باشند، دیده می‌شود. به علاوه یک کاهش در میزان ابزارهای کارآمد نسبت به تراشه‌های زائد (Waste Flakes) در برادوستین قدیم (در غار یافته) و برادوستین متأخر (غار پاسنگر) گزارش شده است. یعنی از ۱۰ درصد به ۴۵ درصد رسیده است. با آنکه نمونه صنایع سنگی اشکفت گاوی از نظر اندازه کوچک هستند و این مجموعه را غیرقابل عرضه و ارائه نشان می‌دهد اما یک الگوی مشابه در گمانه B اشکفت گاوی به وضوح دیده می‌شود. یعنی خراشنده‌های جانبی در اعماق ۷۱ تا ۱۲۶ سانتیمتری بدست آمده‌اند. سر پیکانهای نوع برادوستین از اعماق ۹۶ تا ۱۲۶ سانتیمتری و تیغه‌های پشته‌دار نیز از اعماق ۵۹ تا ۱۲۶ سانتیمتری حاصل شده‌اند. از گمانه B تعلیمی دندان‌های (retouched rod) بدست نیامده است. از طرف دیگر تمام اسکنه‌ها از عمق ۳۲ تا ۸۵ سانتیمتری و تیغه‌های ناموزون از عمق پائین‌تر از ۸۵ سانتیمتری بدست نیامده‌اند.

بنابراین براساس اطلاعات بدست آمده از خرم آباد بنظر می‌رسد که اشیاء سنگی نوع برادوستین قدیم بین ۱۲۵ سانتیمتری و ۱۸۵ سانتیمتری در اشکفت گاوی نمایان شده‌اند. البته در بالای این قسمت صنایع سنگی برادوستین متأخر گردآوری شده است. بالاخره میزان ابزارهای

12- F. Hole and K. Flannery, 1967, pp 147 - 206.

کار آمد نسبت به زوائد در طول زمان در اشکفت گاوی از ۱۵ درصد در اعماق ۱۲۵ سانتیمتری به ۵ درصد و در عمق ۱۵ سانتیمتری کاهش یافت. این امر با اطلاعات بدست آمده از خرم آباد نیز کاملاً ثابت شده است»^{۱۳}

هدف از طرح مطالب پیشین علاوه بر مقایسه اشکفت گاوی که آثار متعلق به پارینه سنگی میانی (موسترین) و پارینه سنگی فوقانی (برادوستین) را ارائه می‌دهد و قابل مقایسه با محلهای همزمان در زاگرس می‌باشد. مقصود دیگر آن است باتوجه به اینکه آثار دوران دیرینه سنگی را بیشتر در کوههای زاگرس مشاهده می‌کنیم که در این میان بخش‌های میانی و شمالی آن بیشتر مورد مطالعه قرار گرفته و مکانهای زیادی شناسایی شده‌اند. اما در زاگرس جنوبی چنانکه باید بررسی و مطالعه بعمل نیامده است و جا دارد که این بخش نیز مورد مطالعه بیشتری قرار گیرد تا از این رهگذر اطلاعات بیشتری از این دوران در این خطه بر ما معلوم گردد.

سالیابی کربن ۱۴

سالیابی کربن ۱۴ در اشکفت گاوی همگی بر روی نمونه‌های ذغال انجام شده است. این نمونه‌ها حدوداً از اعماق یک متری و از رسوبات برادوستین قدیم گردآوری شده‌اند. متأسفانه این سالیابی‌ها دارای ناهماهنگی هستند و یک فاصله زمانی طولانی (۱۰ هزار سال) بین قدیمی‌ترین و جدیدترین سالیابی وجود دارد و از نظر لایه‌نگاری فرهنگی ناهماهنگ و متناقض هستند. همچنین باید خاطر نشان کرد که این سالیابی‌ها از نمونه‌های کوچک ذغال استخراج

شده‌اند و این امر خط مبنای تاریخ را محدود می‌کند. در تاریخ ۳۰ هزار سال پیش اندازه کوچک نمونه‌ها ممکن است در گستردگی خط مبنای این تاریخ‌ها هم نقش داشته باشد. باتوجه به تطابق و مقایسه صنایع سنگی بدست آمده از اشکفت گاوی با مکانهای دیگر، تاریخ‌های بدست آمده را میتوان درست دانست. بعنوان مثال اگر تاریخ ۲۴۰۹۳ پیش از عصر حاضر را در نظر بگیریم. می‌بینیم که عمق متوسط گمانه یعنی یک متر که نمونه‌های ذغال انتخاب شده چنین تاریخی بدست آمده بنابراین، این تاریخ می‌تواند نمایانگر دوره میانی برادوستین قدیم باشد. تاریخهای بدست آمده از اشکفت گاوی قابل مقایسه با شنیدار C بین ۳۵ و ۲۸ هزار سال پیش از عصر حاضر و ۲۱ تا ۴۰ هزار سال قبل از عصر حاضر برای غار «یافته» باشد. اما اگر تاریخ واقعی اشکفت گاوی را تعیین کنیم تاریخ متوسط بیش از ۲۴۰۹۳ هزار سال پیش از عصر حاضر و در نتیجه قدمت اشکفت گاوی بیشتر از تاریخگذاری شنیدار C و غار یافته خواهد بود.

«نتایج تصحیح شده سالیابی ۱۴، قدیمی‌ترین سالیابی را حدود ۲۷ هزار سال پیش از میلاد و سالیابی متأخرتر را نیز حدود ۱۶ هزار سال پیش از میلاد نشان می‌دهد.» [۱۴]

جدول شماره ۲

13- M. Rosenberg, 1985, pp. 58 - 59.

14- B. J. Hurst and B. Iawn "university of pennsylvania radion carbon dates XXII Radio carbon, vol. 26, No. 2, 1984 pp. 212 - 240.

ردیف	علامت اختصاری و شماره آزمایشگاه	محوطه باستانی	نوع نمونه	دوره	لایه	سالیابی نیمه عمر، پیش از عصر حاضر b.p		تصحیح بر اساس Klein and other (1982) WcRDTs B.C
						5568	5730	
1	P-2861	اشکفت گاو	احتمالاً زغال سنگی	کهن	lot 16 95-105 عشق به سانی متر	27610	28410	274610-26460
2	P-2862	"	"	"	lot17 95-105	27970	28781	27831-26831
		"	"	"	lot 8 95-105 "	+3010 24240 -2180	+3-10 24942 -2180	21749-20749
4	P.2864	"	"	"	lot19 105-113 "	+1630 18020 -1360	+1630 18543 -1360	16193-15193
5	P.2865	"	"	"	lot22 105-122	+1590 19230 -1340	+1590 19788 -1340	17459-16459
6	P.2866	"	"	"	lot24	27260	28051	27100-26100

- جدول (۲) سالیابی کربن ۱۴ اشکفت گاو

نتیجه

با آنکه حفاری اشکفت گاوی محدود بوده است اما نتایج چندی را بدست می‌دهد. اولاً، آثار بدست آمده از گمانه‌های اشکفت گاوی یک ترتیب لایه‌نگاری دوره پارینه سنگی فوقانی، البته شاید تا اندازه‌ای ناقص را بدست داده است. این لایه‌نگاری فرهنگی در بخش از ایران صورت پذیرفته است که تاکنون فقط بررسی‌های سطحی در آنها انجام شده است.

ثانیاً اطلاعات بدست آمده از اشکفت گاوی می‌تواند مسائل مبهم در مورد مجموعه صنایع سنگی جهرم را روشن سازد. یعنی مجموعه صنایع سنگی متعلق به پارینه‌سنگی فوقانی و تا اندازه‌ای پارینه سنگی میانی، تشابهات و وابستگی‌هایی را با مجموعه بدست آمده از شمال این منطقه (جهرم) نشان می‌دهد که حوضه رود کر حداقل از اواخر دوره پارینه سنگی فوقانی به محدوده فرهنگ خاص ارتباط یافت که اکثر بخش‌های شمالی زاگرس را در برمی‌گرفت. بنابراین اگر اطلاعات اشکفت گاوی نشان می‌دهد که فارس در محدوده فرهنگی زاگرس قرار دارد و نیز فرهنگ برادوستین قدیم بلاواسطه بدنبال موسترین زاگرس آمده است. بنابراین به احتمال زیاد مواد فرهنگی جهرم قدیمی‌تر از مواد و صنایع مربوط به موسترین زاگرس می‌باشد. تا اینکه فرض کنیم، این مجموعه بدست آمده از جهرم همزمان با فرهنگ موسترین زاگرس باشند.

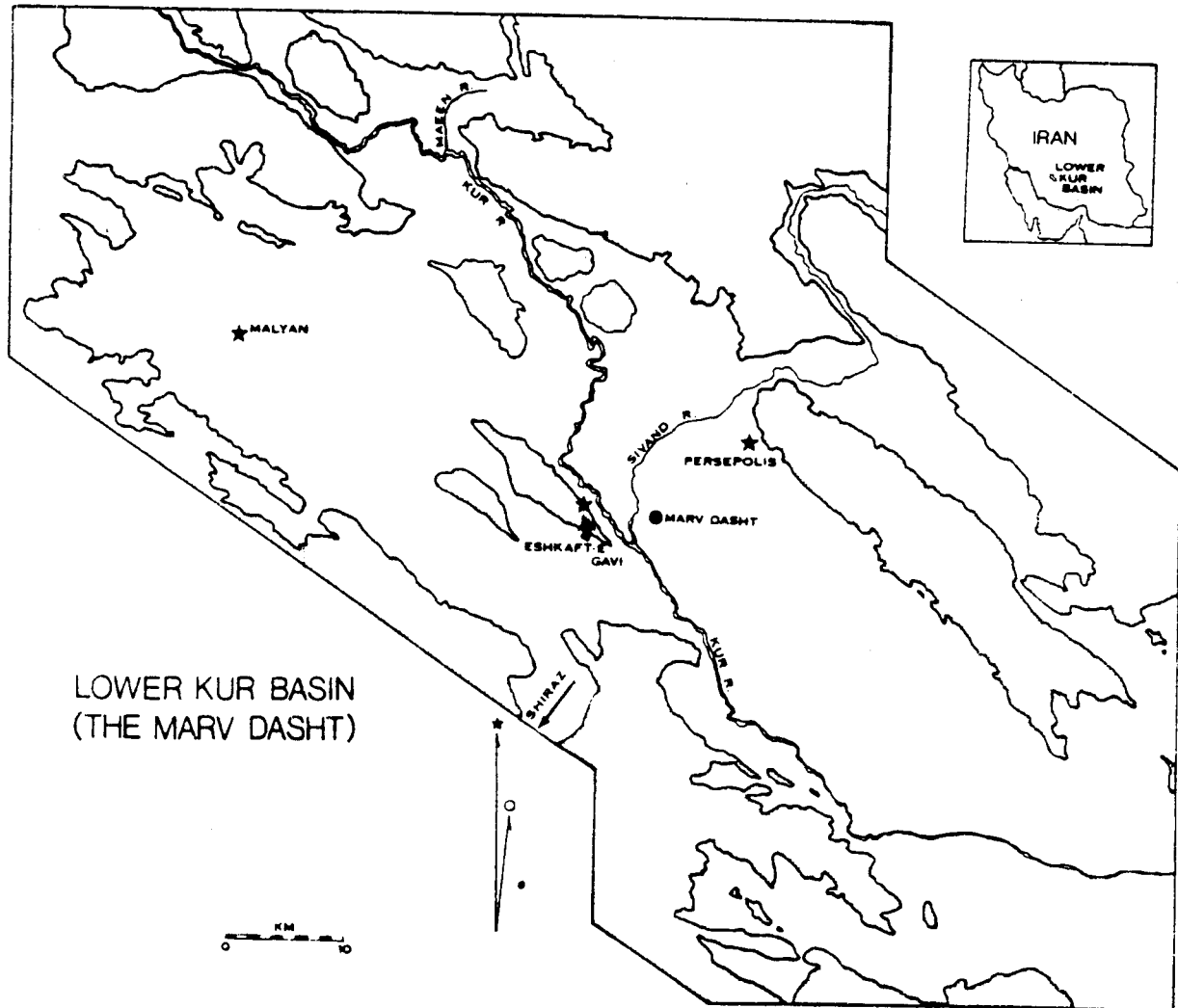
بالاخره لایه‌نگاری گمانه B در اشکفت گاوی یک استقرار دائم و مستمر حوضه رود کر را بوسیله انسان از قدیمی‌ترین دوره پارینه سنگی فوقانی تا اواخر پلستوسن

نشان می‌دهد. بعلاوه حضور نمونه‌های صنایع سنگی پارینه سنگی میانی نشانگر این است که یک چنین سکونت مستمر و ممتدی می‌بایست از دوره‌های قدیمی‌تر یعنی اوائل دوره پارینه سنگی میانی صورت پذیرفته باشد، حال که دریافتیم از نظر اجتماعی اشکفت گاوی آثار سکونت انسان را از قدیمی‌ترین دوره پارینه سنگی میانی تا پارینه سنگی فوقانی را نشان می‌دهد. می‌توان از نظر اقتصادی نیز باتوجه به یافته شدن استخوانهای حیوانات که نشان دهنده زیست اینگونه حیوانات در این منطقه می‌باشد و حفار باتوجه به نمونه‌های استخوانی اشاره به حیواناتی چون غزال، نوعی گوسفند بنام **Equus, Bos, Capra, Oris** و احتمالاً **Cervus Elphas** نموده است که از میان این حیوانات بقایای استخوان غزال بیشتر از همه متداول می‌باشد و تقریباً در همه لایه‌ها با آن برخورد شده است.

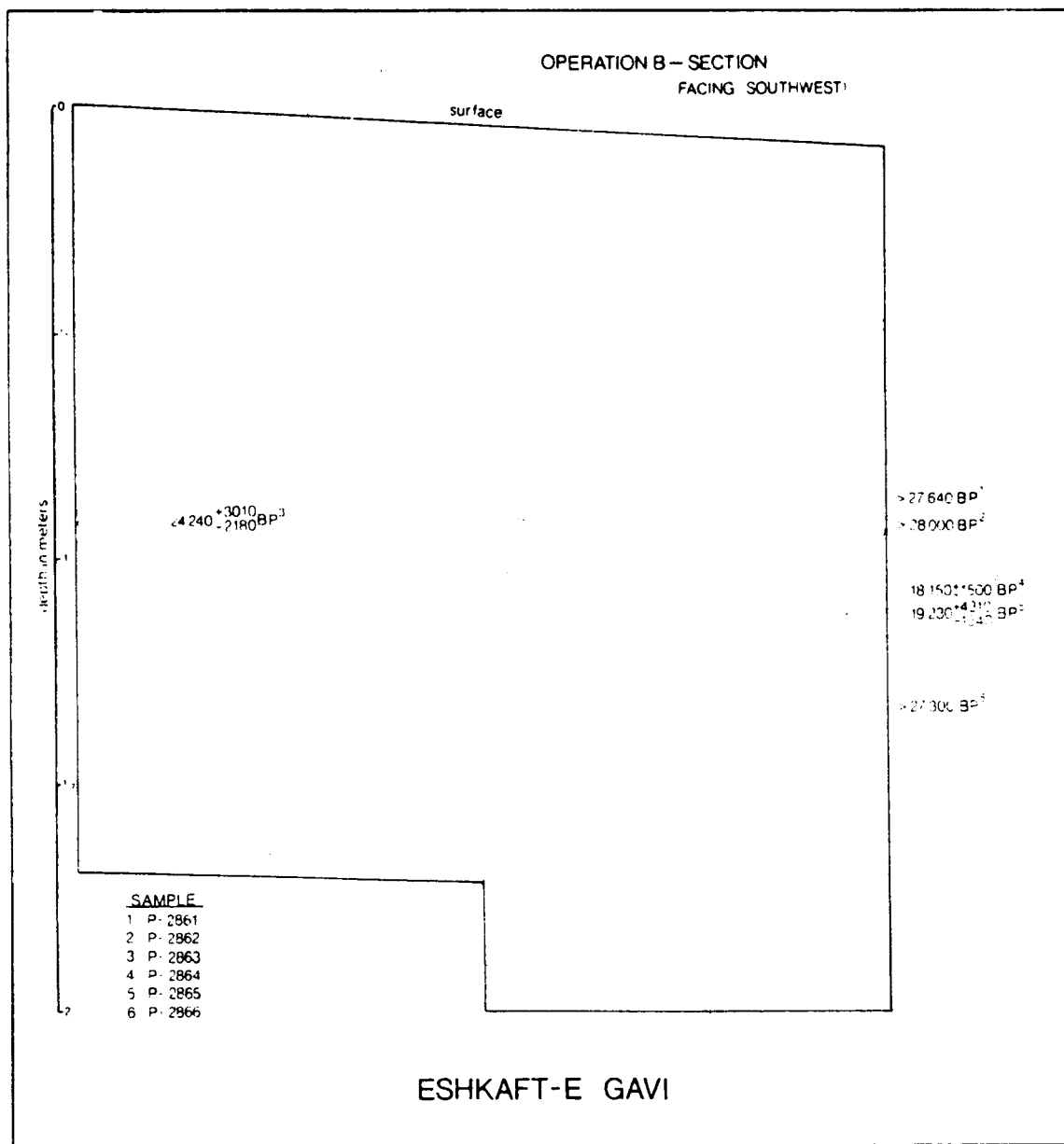
میتوان چنین در نظر گرفت که آنها از طریق شکار و صید امرار معاش می‌کرده‌اند. و از طرفی باتوجه به وجود رودخانه و دسترسی آسان به آن نیز میتوان پنداشت که آنها از گوشت حیوانات آبی نیز استفاده کرده باشند.

همچنین بدست آمدن یک تخته سنگ گرد در اشکفت گاوی و در صورت قبول آن بصورت ابزار می‌تواند حاکی از این باشد که آنها از طریق جمع آوری دانه‌های گیاهی و غلات و کوبیدن آنها بخش دیگر از نیازهای غذایی خود را مرتفع ساخته باشند.

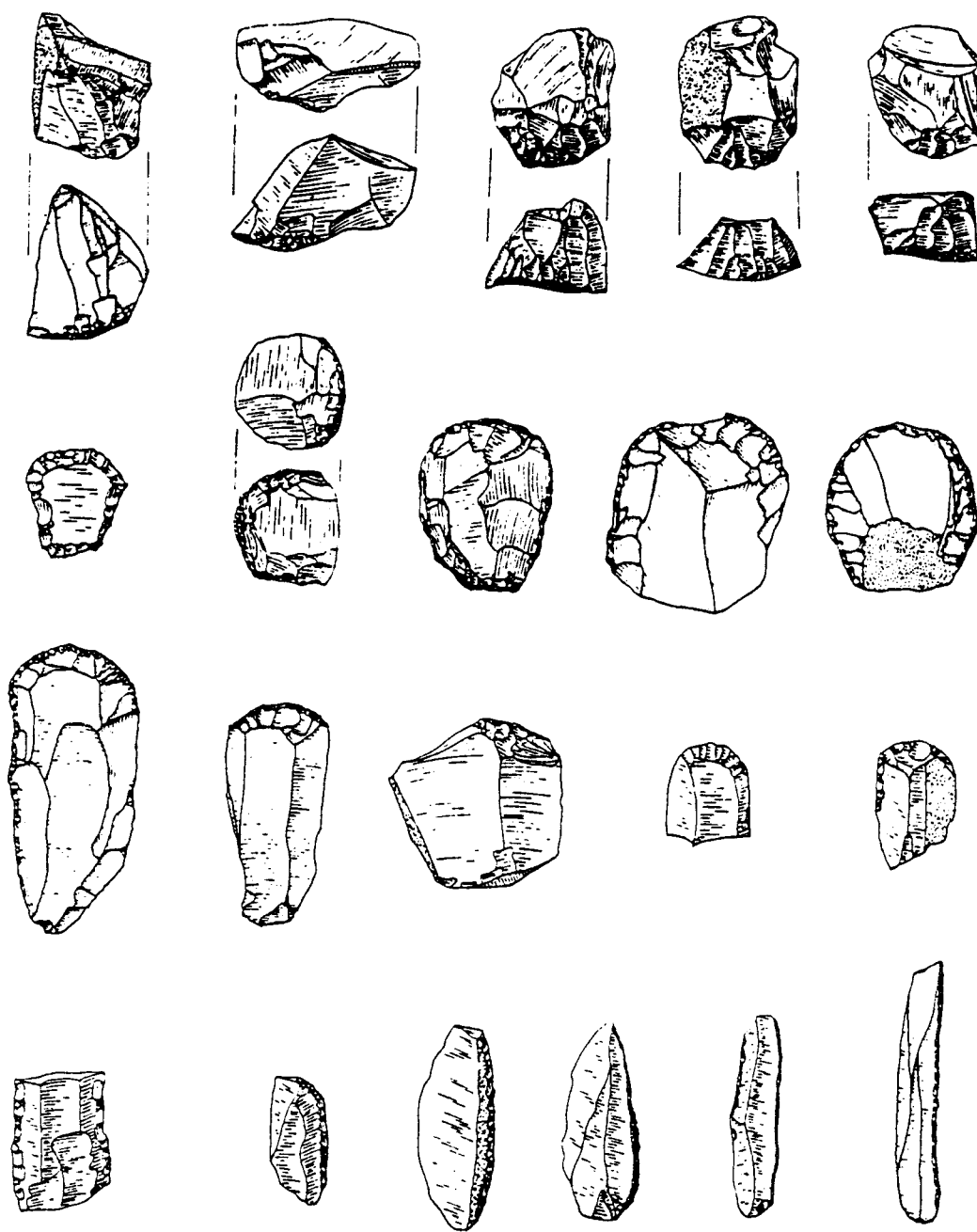




نقشه شماره ۱ مرودشت (اشکفت گاوی)



طرح شماره ۱- لایه تحتانی گمانه B و تاریخگذاری کربن ۱۴



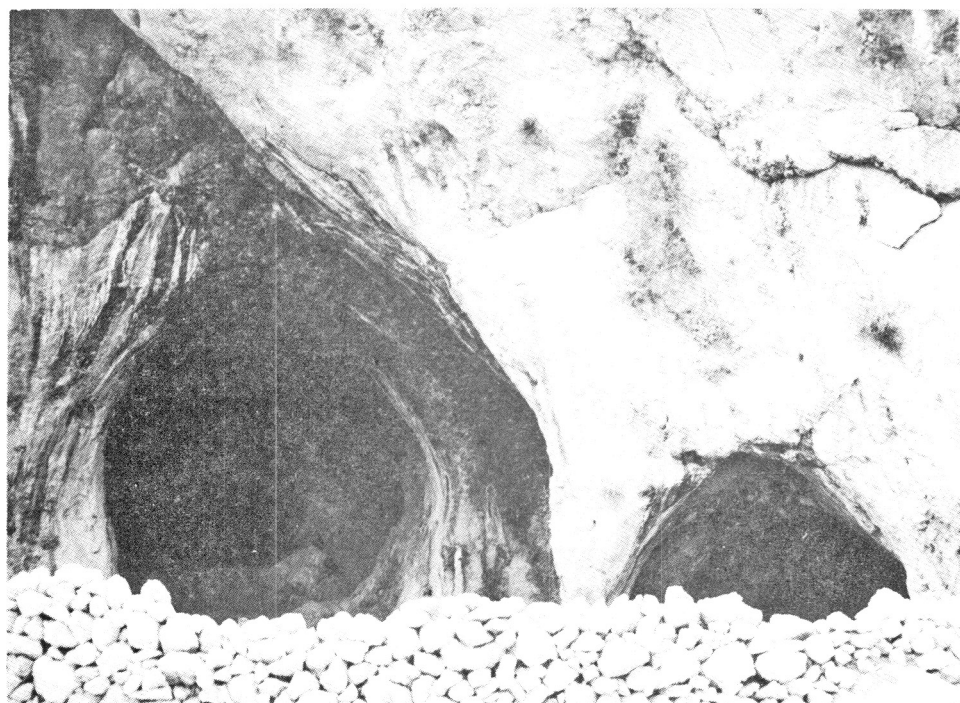
0 5
CM.

طرح شماره ۲ - طرح ابزارهای سنگی اشکفت گاوی



0 5
CM.

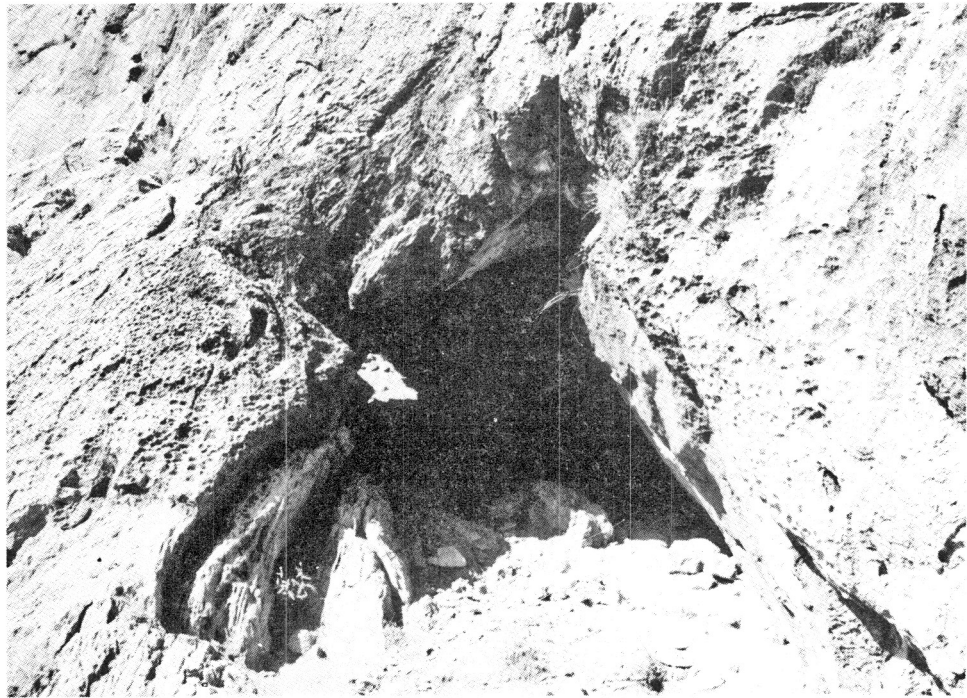
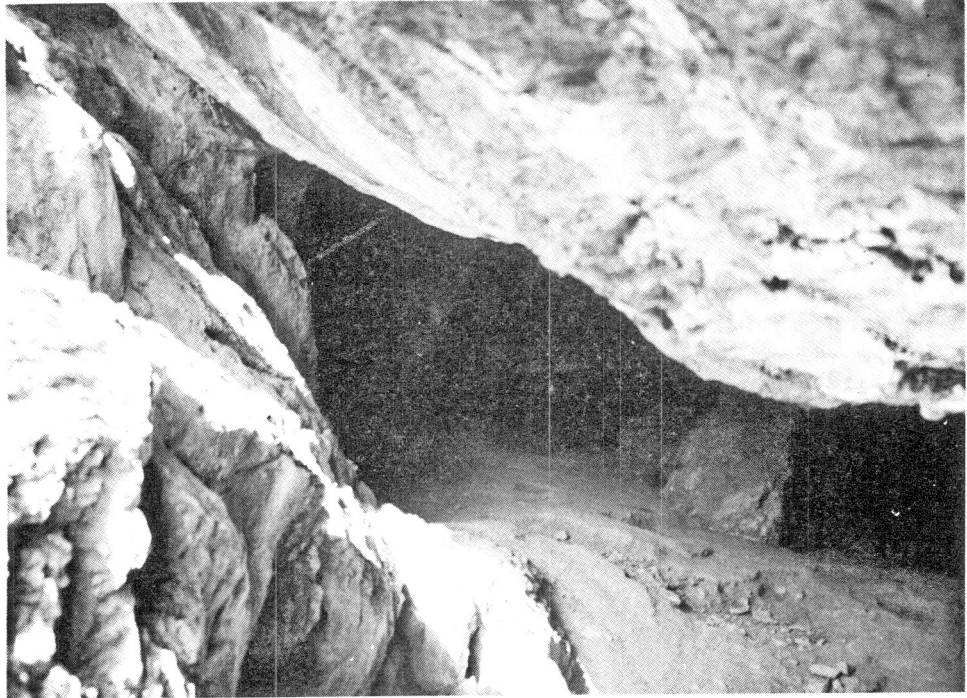
طرح شماره ۳ - طرح ابزارهای سنگی اشکفت گاوی و استخوانی



تصویر شماره ۱- اشکفت بزرگون (نمای دور و نزدیک)



تصویر شماره ۲- اشکفت گاوی (نمای دور و نزدیک)



تصویر شماره ۳- اشکفت محسن (نمای دور و نزدیک)